



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۸ فروردین ۱۴۰۳

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

مصادف با: ۷ شوال ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - مثلی یا قیمی بودن پول - اهمیت بحث - دیدگاه‌های پنج‌گانه

جلسه: ۳۳

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مروری بر جلسات گذشته

در بحث‌های مقدماتی گذشته درباره پول از جهاتی سخن گفتیم؛ اینکه حقیقت پول به خصوص پول امروزی اعم از اسکناس و پول‌های الکترونیکی چیست و آیا مالیت دارند یا خیر؛ اینکه مال حقیقی محسوب می‌شوند یا مال اعتباری؛ برخی از این مباحث را در جلسات گذشته مطرح کردیم.

### مثلی یا قیمی بودن پول

یکی دیگر از بحث‌هایی که درباره پول اعم از اسکناس و پول‌های اعتباری مطرح است و باید به آن پرداخته شود، این است که آیا پول یک مال مثلی است یا قیمی؛ یا اساساً نه مثلی است و نه قیمی. اینجا دیدگاه‌های مختلفی درباره پول (البته عمدتاً درباره اسکناس) مطرح شده است. این بحث، بحث مهمی است؛ اینکه ما اسکناس را مثلی بدانیم یا قیمی، ثمرات خیلی مهمی دارد. اینکه پول‌های الکترونیکی را مثلی بدانیم یا قیمی یا یک ماهیت سومی قلمداد کنیم، در بحث ما بسیار اهمیت دارد. من اجمالاً برای اینکه اهمیت این مسأله روشن شود و ارتباط این بحث مقدماتی با بحث اصلی آشکار شود، به یک مطلب اشاره می‌کنم.

### اهمیت بحث

اگر گفتیم اسکناس یا پول یک مال مثلی است، در این صورت اگر فرضاً یک شخصی سال‌ها قبل یک مقداری اسکناس به دیگری قرض داد، مثلاً ۳۰ سال قبل یک میلیون تومان اسکناس به دیگری قرض داده است؛ الان که می‌خواهد این قرض را پس بدهد، استحقاق همان یک میلیون تومان اسکناس را دارد. وقتی می‌گوییم مال مثلی، یعنی مثل آن باید داده شود؛ حالا می‌خواهد ارزش این یک میلیون تومان به یک صدم رسیده باشد یا تغییری نکرده باشد؛ مثلاً با یک میلیون تومان در ۳۰ سال پیش می‌شد یک ماشین خرید، الان یک کیلو و نیم گوشت می‌توان خرید. پس اگر گفتیم یک مال مثلی است، آنچه بر عهده مدیون است، همان یک میلیون تومان است؛ اگر هم موقع پرداخت این دین، یعنی موقع دادن این یک میلیون تومان به شخص مدیون شرط کند که چنانچه بخواهی این پول را به من برگردانی باید ارزش روز را محاسبه کنی و به من برگردانی، این می‌شود ربا. اگر گفتیم پول یک مال مثلی است، شرط زیاده ولو به اندازه کاهش ارزش آن اسکناس باشد، ربا محسوب می‌شود.

البته این بنا بر آن است که ما مثلی بودن پول و اسکناس را مثل مرحوم شهید صدر در نظر نگیریم، که حالا آن را خواهیم گفت؛ ایشان معتقد است اسکناس و پول‌های امروزی مثلی هستند، لکن یک جهتی را ایشان متذکر می‌شود که نتیجه آن این است که پول با اینکه مثلی است، اما باید ارزش روز برای آن در نظر گرفته است. حالا این را عرض خواهیم کرد؛ ما فعلاً می‌خواهیم

ثمره این اختلاف را در مانحن فیه بیان کنیم و اهمیت این مسأله را آشکار کنیم و تأثیری که در بحث اصلی ما می‌گذارد معلوم شود. بنابراین اگر ما گفتیم پول یا اسکناس مثلی است، قهراً موقع تأدیه دین، مثل همان اسکناس را صرف نظر از افزایش یا کاهش ارزش پول باید بپردازد. یعنی حتی اگر مثلاً ارزش پول بالا رفت (البته این در دنیا کم پیش می‌آید) باز هم او باید همین مقداری که قرض گرفته را به دائن بپردازد.

اما اگر گفتیم پول یا اسکناس قیمی است، اینجا مثل این اسکناس که مثلاً صد تا ده هزار تومانی بوده، به گردن مدیون نیست؛ او یک میلیون تومان ۳۰ سال پیش قرض گرفته است؛ اگر ما گفتیم پول و اسکناس یک مال قیمی است، باید ارزش آن پول و قیمت آن پول در نظر گرفته شود. ارزش و قیمت یک میلیون تومان پول مثلاً در ۳۰ سال پیش مسلماً با ارزش و قیمت آن در این زمان یکسان نیست. اینجا پای ملاحظه کاهش ارزش پول به میان می‌آید.

تفصیلی که در این مسأله می‌توانیم بدهیم یا مثلاً مثلی بودن را به گونه‌ای دیگر تعریف کنیم که نتیجه متفاوتی داشته باشد، این بحث دیگری است. به صورت کلی با توجه به اینکه انواع مال را دو نوع مثلی و قیمی می‌دانند، می‌خواهیم ببینیم پول امروزی و اسکناس مثلی محسوب می‌شود یا قیمی. بنابراین اهمیت این بحث و تأثیر قابل توجه آن در مبحث اصلی ما تا حدودی معلوم شد، هر چند در آینده بیشتر این مطلب روشن خواهد گردید. پس مسأله‌ای که الان می‌خواهیم درباره آن بحث کنیم، مثلی بودن یا قیمی بودن اسکناس است؛ اهمیت آن را هم ملاحظه فرمودید.

#### **دیدگاه‌ها**

پنج دیدگاه در این رابطه وجود دارد؛ من ابتدا به این دیدگاه‌ها اشاره می‌کنم تا بعداً ان‌شاءالله مورد بررسی قرار گیرند و معلوم شود پول یا اسکناس قیمی است یا مثلی یا هیچ کدام.

#### **دیدگاه اول**

دیدگاه اول که مشهور فقهای یک قرن اخیر به آن ملتزم‌اند، این است که اسکناس مثلی است؛ اکثر آقایان مثل مرحوم سید، مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی، امام، مرحوم آقای خوبی، اینها نوعاً اسکناس را مثلی می‌دانند. مثلی بودن اسکناس اقتضا می‌کند که اگر ۳۰ سال قبل کسی یک مبلغی اسکناس را به دیگری قرض داده، الان هم همان مقدار و مثل آن را به دائن برگرداند و دیگر کاری ندارد با این یک میلیون تومان در ۳۰ سال پیش چه چیزی می‌شد خرید و الان چه چیزی می‌توان خرید؛ چون در این صورت ما کاری به ارزش آن شیء و قیمت آن نداریم.

البته در مورد اشیائی که مثلی هستند، همه آقایان در گذشته هم گفته‌اند که اگر عین موجود باشد، باید عین را برگرداند و اگر تلف شده باشد باید مثل آن را به صاحبش برگرداند. لکن اگر این عین به گونه‌ای شد که مثل آن به کلی ارزش خود را از دست داد و از قیمت ساقط شد، در این صورت انقلاب به قیمی پیدا می‌کند؛ یعنی مثلی منقلب می‌شود به قیمی. فقط این مورد را استثنا کرده‌اند، و الا در همه موارد اگر چیزی مثلی بود، باید مثل آن بازگردانده شود. این یک خصوصیت برای شیء مثلی است؛ عرض کردم از یکصد سال پیش یا بیشتر که اسکناس و پول کاغذی وارد مبادلات اقتصادی شد، این مورد بحث واقع شده که آیا این مثلی است یا قیمی، مثل بقیه اعیان که مورد مبادله قرار می‌گیرد.

#### **دیدگاه دوم**

دیدگاه دوم این است که اسکناس و پول کاغذی قیمی است؛ یعنی اگر این پول و این اسکناس ۳۰ سال پیش به کسی قرض

داده شد، ارزش و قیمت آن ملاک قرار می‌گیرد و بعد از ۳۰ سال که می‌خواهد این دین را تأدیه کند، باید ارزش و قیمت آن را محاسبه کند و بپردازد. یعنی اگر فرضاً در گذشته یک میلیون تومان قرض داده، حالا بعد از ۳۰ سال که می‌خواهد این یک میلیون تومان را بپردازد، اینجا باید در نظر بگیرد که ارزش این اسکناس در آن زمان چه مقدار بود، الان هم ارزش آن اسکناس باید تأدیه شود؛ وقتی می‌خواهد این دین را ادا کند و پرداخت کند، باید ببیند در آن موقع یک میلیون تومان چقدر ارزش داشت، الان هم باید همان ارزش را بپردازد.

#### دیدگاه سوم

دیدگاه سوم، دیدگاه شهید صدر است. ایشان در برخی از کتاب‌هایی که پیرامون مسائل اقتصادی نوشته‌اند، مثل «البنک اللاربوی» یا در کتاب «الاسلام يقود الحياة»، این مسأله را مطرح کرده و می‌گوید اسکناس مثلی است، اما مثلیت اسکناس فقط ورق کاغذ نیست؛ پول کاغذی از یک اوراقی تشکیل شده که مثلاً دارای نقش و نگارهایی است؛ امضایی پای آن قرار داده شده است. اما این یک وصفی دارد که مقوم این شیء است به نام قدرت خرید؛ به نظر ایشان، قدرت خرید وصف مقوم ماهیت این پول‌هاست. اسکناس فقط همین کاغذ نیست که شما بگویید این کاغذ با این عدد و رقمی که روی آن نوشته شده و این خصوصیت، ۳۰ سال پیش گرفته شده و الان هم موقع پرداخت شما مثل این را که مثلاً این رنگی است و این عدد و رقم روی آن نوشته شده، بپردازید. فوقش این است که مثلاً به جای اینکه صد تا ده هزار تومانی بدهید، ده تا صد هزار تومانی بدهید؛ نه، اینجا خود این اوراق به عنوان عین به تنهایی مطرح نیست، بلکه یک وصفی دارد؛ با این اوراق شما می‌توانستید یک مقدار مشخصی کالا بخرید و یک مقدار مشخصی خدمات دریافت کنید؛ اما آیا امروز می‌توانید همان مقدار کالا یا خدمات را که ۳۰ سال پیش دریافت می‌کردید، دریافت کنید؟ لذا ایشان با اینکه معتقد است اسکناس یک مال مثلی است، اما در معنای مثلی بودن اسکناس تأملی دارد؛ مثلیت به عنوان یک ملاک در هر شیئی اقتضای خاص خودش را دارد. اگر فرض بفرمایید یک ظرفی بشکنند، مثل آن ظرف بر عهده کسی است که باعث تلف آن شده و او ضامن یک ظرفی مثل آن است. البته در ملاک مثلی و تعریف مثلی هم اختلاف است که حالا این را هم ان‌شاءالله بیان خواهیم کرد. اصلاً در اینکه مثلی و قیمی به چه معناست، اختلاف است؛ اگر به خاطر داشته باشید مرحوم شیخ در مکاسب این بحث را مطرح کردند؛ آنجا می‌گویند مثلی و قیمی یک حقیقت شرعی نیست. لکن با اینکه این حقیقت شرعی نیست، اما فقها مبادرت به تعریف مثلی و قیمی کرده‌اند، که حالا برخی از تعاریف ان‌شاءالله اشاره خواهیم کرد. مرحوم شیخ یک تعریفی برای مثلی و قیمی ارائه داده و این اتفاقاً مورد اشکال هم واقع شده است. به هر حال وقتی یک ظرف چینی تلف می‌شود، مثل آن عبارت است از یک ظرفی با همان ابعاد و با همان نقش و نگار و از همان جنس؛ یا یک کیلو گندم که مثلاً درجه یک باشد، مثل آن یک کیلو گندم از همان جنس است. اما در مورد اسکناس اینطور نیست؛ اینطور نیست که یک ورق سبز رنگ که مثلاً روی آن فلان عدد نوشته شده را بگوییم به من ۳۰ سال پیش داده‌ای، من هم الان مثل همان را به تو می‌دهم؛ یعنی یک کاغذی که همان نقش و نگار را دارد و همان عدد را دارد، به شما می‌دهم؛ نه، اینجا این اسکناس یک وصفی دارد که این مقوم آن محسوب می‌شود. ما نمی‌توانیم این ورق را بدون آن وصف مقوم در نظر بگیریم. آن وصف مقوم عبارت از قدرت خرید است. لذا با اینکه ایشان اسکناس را مثلی می‌داند، اما می‌گوید اگر کسی ۳۰ سال پیش یک اسکناسی را با عدد یک میلیون تومان به شما داده، موقع تأدیه باید قدرت خرید

اسکناس را در نظر بگیرید؛ اگر کاهش پیدا کرده باشد، باید جبران شود، چون ضامن هستی. این مثل آن است که کسی یک ظرف چینی درجه یک را بشکند و بعد یک ظرف بدلی قلابی به او بدهد. به هر حال یک جنسی که مثلی محسوب می‌شود را از بین ببرد، اما بدل آن را بیاورد و جایگزین کند، این ارزش ندارد.

این هم یک دیدگاه که براساس آن با اینکه اسکناس مثلی است، اما قدرت خرید وصف مقوم آن محسوب می‌شود.

#### **دیدگاه چهارم**

دیدگاه چهارم تفصیل بین دو صورت اختلاف فاحش و اختلاف ناچیز است. یعنی اگر اختلاف اسکناس در زمانی که به عنوان قرض داده می‌شد با زمانی که می‌خواهد تأدیه شود، ناچیز باشد، این مثلی است. اما اگر اختلاف فاحش و شدید باشد، این قیمی است؛ یعنی در بعضی موارد اسکناس مثلی است و در بعضی موارد قیمی است. اگر بخواهیم مثال بزنیم، اینطور می‌توانیم بگوییم که اگر کسی ۳۰ سال پیش یک میلیون تومان به دیگری قرض داده باشد، اختلاف ارزش یک میلیون در ۳۰ سال پیش با یک میلیون تومان امروزی، بسیار فاحش و شدید است؛ آن موقع با یک میلیون تومان می‌شد یک قواره زمین خرید اما الان یک سانت هم نمی‌توان خرید. اینجا نمی‌توانیم بگوییم پول مثلی است، بلکه این پول قیمی است. اما اگر فرض بفرمایید دیروز (تازه همین هم مشکل دارد ولی فرض می‌کنیم ثبات هم باشد) یک میلیون تومان از کسی قرض گرفته‌اید و امروز می‌خواهید به او برگردانید؛ در این فاصله کم، یا اختلاف نیست یا اگر هم اختلافی وجود داشته باشد بسیار ناچیز است. در این شرایط، اسکناس مثلی محسوب می‌شود؛ چون ارزش آن در این فاصله فرقی نکرده است. این هم یک دیدگاه که تفصیل در مثلی و قیمی بودن اسکناس است؛ در بعضی حالات اسکناس مثلی است و در بعضی حالات قیمی. اتفاقاً این یک مبنایی شده برای تفصیل در لزوم جبران کاهش ارزش پول؛ بعضی‌ها معتقدند در جاهایی که ارزش پول شدیداً کاهش پیدا کند، ضمان ثابت است؛ اما اگر کاهش ارزش پول چندان فاحش نباشد، ضرورتی برای جبران این کاهش به نظر نمی‌رسد.

#### **دیدگاه پنجم**

دیدگاه پنجم این است که اسکناس نه مثلی است و نه قیمی، بلکه یک ماهیت سومی است. چون اساساً تقسیم مال به مثلی و قیمی، مربوط به مال حقیقی است و نه مال اعتباری. اسکناس و پول‌های کاغذی، مال اعتباری هستند؛ شاید اعتباری بودن پول الکترونیکی کاملاً روشن باشد؛ پول‌های الکترونیکی بدون تردید اعتباری هستند؛ اسکناس هم همینطور است. لذا می‌گویند اساساً از مقسم مثلی بودن و قیمی بودن خارج است.

این پنج دیدگاه درباره مثلی بودن یا قیمی بودن اسکناس و پول کاغذی و پول الکترونیکی مطرح است. شما ملاحظه فرمودید که این بحث تا چه اندازه اهمیت دارد و چگونه می‌تواند در بحث اصلی ما تأثیر بگذارد؛ یک بحث مقدماتی بسیار مهمی است. اینجا لازم است اتخاذ مبنا کنیم؛ بالاخره ببینیم اسکناس و پول‌های الکترونیکی آیا مثلی هستند یا قیمی یا هیچ کدام از این دو، یا مثل مرحوم شهید صدر ملتزم به این شویم که مثلی هستند لکن قدرت خرید وصف مقوم آنها محسوب می‌شود؛ یا باید تفصیل بدهیم بین اختلاف شدید و اختلاف ناچیز، که این را ان‌شاءالله هفته آینده متعرض خواهیم شد.

#### **مهم‌ترین راه خروج اهل بیت (ع) از مظلومیت**

فردا هشتم شوال و روز تخریب قبور ائمه بقیع (ع) است و درس‌ها تعطیل است؛ ان‌شاءالله خداوند ما را مشمول عنایات ائمه مظلوم بقیع (ع) قرار بدهد و ان‌شاءالله روزی را شاهد باشیم که ائمه بقیع (ع) از این مظلومیت خارج شوند و بالاتر از این، خارج

شدن اهل بیت(ع) از یک مظلومیت بزرگتر و آن هم اینکه ائمه(ع) آنچنان که باید و شاید در متن زندگی ما جریان ندارند؛ آن مظلومیت مهم تر است. ائمه(ع) زمانی از مظلومیت خارج می شوند که زندگی پیروان و شیعیان آنها رنگ و بوی آنها را بگیرد؛ اینکه پیروان آنها به گونه ای زندگی کنند که زینت آنها باشند. در روایتی امام صادق(ع) می فرماید: به گونه ای باش که وقتی تو را می بینند بگویند «هذا جعفری»؛ یعنی جعفری بودن با بهترین اخلاق و با بهترین رفتار معرفی شود؛ هر کسی که بهترین اخلاق و رفتار را دارد، به عنوان جعفری او را بشناسند. ان شاء الله خداوند توفیق بدهد که ما اهل بیت(ع) و ائمه بقیع(ع) را سرمشق زندگی خودمان قرار دهیم و سلوک آنها را در متن زندگی خودمان پیاده کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»